تمدن سازي اسلامي ضرورتها و راهكارها

تمدن سازي اسلامي ضرورتها و راهكارها

ابراهيمي برهان سيد - گلرو رضا محمد

تمدن - حضاره - ثقافه - civiloisation

تمدن: يعني سبك زندگي مجموعهاي از انسانها كه در يك دوره تاريخي در يك منطقه جغرافيايي زندگي ميكردند و داراي هدف مشتركي بودند و دستآوردهاي خاصي داشتند. يك جامعه بي هدف در تعريف تمدن نميگنجد. تمدن داراي يك معني تركيبي و پيچيده است.

واژه تمدن يا شهريگري يا شهرمان به تلقيهاي گوناگون از حالتهاي جامعه انساني ميپردازد. اشاره به تكامل و شكلگيري روابط بشري يكي از جنبههاي رايج اين كلمه در زبان ادبي است كلمه تمدن از كلمه شهرنشين بوده و«يا شهروندان civis وشكل وصفي آن civils مشتق ميشود».

تمدن روم قانون افراد غير نظامي همه روي هم در يك كتاب بزرگ و كامل civilis corpusjuris در سده 16 براي امبراتور رُوستيان 483 تا 565 پيش از ميلاد جمع آوري شده است از سال 1388 كلمه civil به زبان انگليسي وارد شده و به عنوان شدن به معني قانوني كه مراحل اعمال خياري و قانوني را براي شهروندان انجام ميدهد در سال 1704 بكار رفته است. اين واژه در سال 1722 با مفهومي نزد يك به واژه تمدن استفاده شده است كه مخالف بربريت است.

الحضارة : هي نظام اجتماعي يتعايش فيه مجموعة من الناس يشكلو مع بعضهم البعض حضارة والتي تتألف من أربعة عنصر وهي: النظام الاقتصادي، النظام السياسي، النظام المعيشتي والتي تكون طريقة ومبدأ العيش في الحضارة واختلاقياتها النظام الثقافي وهي التي تكون بالعلوم والفنون التي شكلتها تلك الحضارة والتي صنعت اشياء واكتشفت امور خلّقها بعد حضارتها.

الحضارة: هي نظام اجتماعي يعين الإنسان على الزيادة من انتاجه الثقافي ، وانما تتألف الحضارة من عناصر اربعة: الموارد الاقتصادية والنظام السياسية، والتقاليد الخلقية، ومتابعة العلوم والفنهون وهي تبدأ حيث ينتهي الاضطراب والقلق لأنه اذا ما أمِنَ الإنسان من الخوف ، تحررت في نفسه دوافع التطلع وعوامل الابداع والانشاء وبعدئذ لا تنفكك الحوافز الطبيعية تستنهضه للمضي في طريقة إلى فهم الحياة وازدهارها([1]).

گسترش تمدن اسلامي

تمدن اسلامي كه از زمان بعثت پيامبر عظيم الشان اسلام(ص) و از سرزمين مجاز آغاز گرديد. در كوتاه ترين زمان ممكن به گسترش چشم گيري رسيد به گونه اي كه از ضلع غربي آن، اندلس، اسپانيا و پرتقال و كرانه هاي شرقي اقيانوس اطلس از ضلع شرقي آن تا آسياي مركزي، ديوارهاي چين و سيون كيانگ از شمال

تا بالكان و از جنوب تا كرانه هاي اقيانوس هند و آفريقاي مركزي گسترش يافت.

مسلمانان در اين بستر پهناور جغرافيايي با انگيزه اسلامي به بسط علم، فلسفه هنر و اخلاق و سياست پرداختند و از ويرانه هاي تمدن هاي پيشين بهره گرفتند و تمدن بزرگي را پايه ريزي كردند و به جهانيان عرضه داشتند.

بغداد ، قاهره، قرطبه از مراكز ثقل اين تمدن بودند.

علوم وفنون از جهان اسلام به اروپا سرايت كرد([2]).

ذبيح ا صفا درباره عظمت تمدن اسلامي مي گويد:

تمدن اسلامي به درجهاي از عظمت و در مرتبتي از كمال و پهناوري است كه آگهي ازهمه ابواب و احاطه بر همه انحاء آن به واقع دشوار است و اگر كسي يافته شود كه درصدد اين ادعا برآيد بايد به قلت اطلاع و گستاخي وي حكم كرد. مهمترين عنصر ازعناصر اين تمدن علوم شرعي و عقلي و علمي آن است كه به زبان هاي عربي و فارسي تاليف و تدوين شده است([3]). شهيد مطهري نيز در اين باره مي گويد:.

پس از ظهور اسلام و تشكيل حكومت اسلامي و گرد آمدن ملتهاي گوناگون در زير يک پرچم به نام پرچم اسلام تمدن عظيم و شكوهمند و بسيار كم نظيري به وجود آمد كه جامعه شناسي و تاريخ آن را به نام تمدن اسلامي مي شناسند.([4]).

دوران طلايي اسلام با عصر شكوفايي و شرق اسلامي بنا بر آثار بر جاي مانده و نوشته هاي كهن، قرن چهارم و پنجم هجري و بين ميانه قرن هشتم ميلادي تا ميانه قرن سيزدهم ميلادي تعريف مي شود([5]).

هنرمندان صنعت گران، فيلسوفان، دانش پژوهان، شاعران، جغرافي دانان، مهندسان، نويسندگان، شيمي دانان، فيزيک دانان، پزشكان، بازرگانان و ديگر دانشمندان جهان اسلام، نقش به سزايي در رشد پيشرفت و تكامل دانش ها و فنوني از قبيل كشاورزي، هنر، اقتصاد، صنعت، حقوق، ادبيات، دريانوردي، فلسف، شيمي، فيزيک جامعه شناسي، پزشكي و غيره ايفاد كردند.

يكي از دلايل رشد و شكوفايي اروپا در قرون وسطي، بهره گيري آنان از كتاب هاي دوران طلايي اسلام بود.

مقام معظم رهبري در اين باره فرموده اند: وقتي كه ملت ايران توانست خود را به آن نقطه اي برساند كه بتواند به عنوان يک ملت مسلم به معناي حقيقي كلمه خود را به دنيا نشان بدهد اين بزرگترين تبليغ اسلام است و ملت هاي ديگر هم روانه ي همين طرف خواهند شد و تشكيل امت بزرگ اسلامي كه مايه ي عزت و مايه ي ترويج اسلام در سراسر جهان است اتفاق خواهد افتاد. آن مدنيت اسلامي كه انتظارش را داريم كه بتواند بر مدنيت مادي. گمراه كننده و فاسد غربي غلبه پيدا كند. آن روز تحقق پيدا خواهد كرد. مقدمه اش اينجاست مقدمه اش اين است كه ما ملت ايران بتوانيم به سمت الگو شدن پيش برويم خب همه بايد همت كنند همه مسئولين بايد همت كنند همه آحاد مردم بايد همت كنند . اين قضيه قضيه يک سال و دو سال نيست قضيه بلند مدت است.

زمان ميبرد كما اينكه در تمدن اسلامي اگر شما نگاه كنيد مي بينيد اوج تمدن اسلامي در قرن هاي چهارم و پنجم است كه از لحاظ علمي سرآمد است و بزرگان، علما، محققين، فلاسفه و دانشمندان مادي در دنياي اسلام به وجود آمدند كه دنيا را توانستند پيش ببرند. بسياري از اين پيشرفت هاي امروز غربي ها مرهون آن حركت است خب امروز البته سرعت ما بيشتر خواهد بود ما سريع تر انشاء ا به آن نتيجه خواهيم رسيد. لكن بالاخره زمان پر است([6]).

ايشان در فرمايش ديگري در مورد تبيين و توضيح تمدن اسلامي و ارزش هاي آن توسط سازمان هاي همچون مجموعه التقريب بين المذاهب الاسلاميه و همچنين نقش مهم علماء و دانشمندان اسلامي در اين زمينه مي فرمايد: امروز نوبت ما است و امروز نوبت اسلام است «و تلک الايام ندوالها بين الناس» امروز نوبت مسلمين است كه با همت خود تمدن اسلامي ما را شالوده ريزي كنند همچنان كه اروپايي ها آن روز از دانش مسلمين استفاده كردند ما هم امروز از دانش جهان استفاده مي كنيم از ابزارهاي موجود جهاني استفاده مي كنيم براي برپا كردن تمدن اسلامي، منتها با روح اسلامي و با روح معنويت اين وظيفه امروز ما است اين عمدتاً خطاب به علماي دين و روشنفكران راستين است: بنده ديگر چندان اميدي به سياست مداران ندارم. قبلا تصور مي شد كه سياست مداران دنياي اسلام در اين راه بتوانند كمک كنند اما متاسفانه اين اميد ضعيف شده است امروز اميد ما به علماي ديني در سراسر دنياي اسلام و به روشنفكران راستين است كه غرب قبله ي خودشان ندانند، اميد به آن است اين كار شدني است اين كار عملي است، دنياي اسلام ابزارهاي فراواني دارد ما جمعيت خوبي داريم، سرزمين هاي خوبي داريم، موقعيت جغرافياي برجسته اي داريم، منابع طبيعي بسياري دردنياي اسلام داريم. نيروهاي انساني با استعداد و برجسته اي در دنياي اسلام داريم كه اگر اينها را با تعاليم اسلام مستقل بار بياوريم مي توانند آفرينش هاي هنرمندانه ي خودشان را در عرصه ي علم، درعرصه ي سياست در عرصه ي فناوري و درعرصه هاي گوناگون اجتماعي نشان بدهند و ارائه بدهند([7]).

ايشان همچنين با توجه به نقش اقوام و مذاهب مختلف در تشكيل تمدن اسلامي مي فرمايند:

ايران يكپارچه با اقوام مختلف و متعدد داراي يک هدف، داراي يک مسيرند بلکه ممکن است زبان ها مختلف باشد. مذهب مختلف باشد اما(هدف عالي اين ملت يکسان است. همه مي خواهند ايران عزيز را به عنوان الگوي يک کشور اسلامي به دنيا معرفي کنند. الگوي کشور اسلامي هم به معناي اني نيست که در اين کشور همه ي مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند نه اين هاهيت اينها معنويت است اما در کنار طرف اين معنويت پيشرفت مادي هست رشد علمي هست اينها معنويت است.

اما در کنار اين معنويت پيشرفت مادي هست رشد علمي هست توسعه ي عدالت هست کم شدن فاصله هاي طبقاتي هست، برداشته شدن نمونه ها و قله هاي اشرافي گري هست خصوصيت جامعه ي اسلامي اينهاست. آن وقت دريک چنين جامعه اي مردم خوشبختند احساس امنيت مي کنند به سمت اهداف عاليه ي خود پيش مي روند خدا را عبادت مي کنند پيشرفت دنيوي هم نصيب آن ها مي شود ملت ايران دنبال يک چنين جامعهاي استو همه اين را ميخواهند: شيعه و سني ندارد. کرد و بلوچ و فارسي و ترک ندارد. همه دنبال اين هستند خب اين مي شود يک الگو، وقتي الگو شد وقتي نمونه سازي شد. آن وقت ملت هاي ديگر مسلمان هم راه را پيدا مي کنند([8]).

عده زيادي از انديشمندان مسلمان علاوه به اصول ارزشي خود عقايد و دانش اخلاق متفکرين گذشته را که بر پايه اصول بشر دوستانه عقلاني و مباحثات علمي ..... نياه شده بود پي گيري کرده و آن ها را مبناي پژوهش هاي خودشان قرار دادند آثار زيادي از نوشته جات و کتاب هاي اسلامي از قرون ميانه اسلامي بر جاي مانده است که به موضوعاتي نظير شعر، عشق، تاريخ، فلسفه ادبيات و خداشناسي پرداخته اند. مروري بر اين آثار آزادي انديشه هاي متفاوت را در آن عرصر ارزش هاي اسلامي بودند کمک بزرگي در توسعه ارتباطات اديان و اختلاط فرهنگ و خود مسيحي يهودي و اسلام کرد و اين آغازگر يک دوره جديد فلسفي و فکري در سده هاي مياني يعني قرن هشتم تا سيزدهم ميلادي بود دليل ديگري که باعث رشد جهان اسلام در اين برهه زماني شد آزادي بيان و سخنوري بود([9]).

از ميان انديشمندان به نام جهان اسلامي مي توان از بزرگاني همچون ابوريحان بيروني، جاخط، ابو يوسف کندي، ابن سينا، شريف ادريس ابن باجه، ابن زهره ابوه طفيل ابن رشد، جلال الدين سيوطي، جابر ابن حيان، عباس ابو فرناس، ابن هيثم، ابن نفيس، ابن خلدون، محمد موسي خوارزمي، علي ابن حسين مسعودي ، مقدسي، بديع الزمان جزري، فخر رازي، امام غزالي را مي توان نام برد که ستارگاني در آسمان درخشان شکوفايي و درخشش تمدن اسلامي بوده اند([10]).

برنار دلويس در اين باره مي گويد:

درجهان اسلام در موارد اضطرار، مسلمانان بارها اين تمايل را نشان داده اند که در قالب يک وحدت

ديني هويت بنيادين و ايمان خود را باز يابند يعني هويتي كه نه با معيارهاي قومي يا سرزميني بلكه به وسيله دين اسلام تعريف شده است([11]).

همچنين گوستا ولو بون در كتاب ارزشمند تاريخ تمدن اسلام و عرب مينويسد شكي نسيت كه اقوام زيادي بر ممالک مشرق استيلا يافته اند.

ايراني يوناني رومي و غير آن ها در ازمنه مختلفه سلطنت نموده اند. راست است كه اقتدار و نفوذ سياسي و عسكري آنان هميشه به سرحد كمال بوده است ولي تاثيرات تمدني آن ها عموماً ضعيف و غير از همان شهرهاي كه مركز اقامت و پايتخت آنها بود هيچ وقت نتوانستند كه مذهب و زبان يا علوم و فنوني خود را در اقوام مغلوبه منتشر سازند. مملكت مصر در عصر خاندان بطلميوس بنا نموده اسلوب و سبک معماري فراعنه مصر بوده و نتايج را كه ايراني و يوناني و رومي در مشرق نتوانستند حاصل كنند مسلمين با قدم سريعي بدون اجبار حاصل نمودند([12]).

وي همچنين اشاره مي كند:

اگر چه از چندين قرن است كه خلافت عرب دست خوش فنا و زوال گشته لكن اين وقت هم از اقيانوس اطلس تا رود سند و از درياي مديترانه تا صحراي آفريقا يک مذهب و يک زبان حكم فرماست و آن مذهب و زبان پيامبر اسلام(ص) مي باشد.

نفوذ مزبور در ممالک شرق منحصر به زبان و مذهب و صنايع نبوده بلكه در علوم و ادبيات هم تاثير نمايان بخشيده چنانكه به وسيله روابطي كه هميشه با هند و چين داشتند علومي را در آن ممالک انتشار دادند كه اهل اروپا آن علوم راهبرها به اهل هند و چين نسبت مي دهند([13]).

روشن است در مطالعه تمدن و تاريخ اسلامي صرف نظر از ماهيت حوادثي كه مورد بررسي قرار مي گيرد.

بايد پيش از هر چيز در پي تداومي بود كه مانع از پيدايش وقفه هايي مشخصي در مسير رويدادها مي شود اما از سوي ديگر تأخيرها و تعجيل هاي حوادث و تغيير جهت ها و مسير گزيني ها و شدت آن ها ما را رهنمون مي شود تا در صدد تعيين دوره هاي برآييم كه هر يک به سبب جنبه خاص خود متمايز است به همين علت است كه حتي مجبور مي شويم گسستگي هايي را در مقاطع زماني كه به نظر ما متمايز كننده چرخش در حوادث تاريخي مورد مطالعه اند را مشخص سازيم.

با توجه به آنچه گفته شد در مسير پر پيچ و خم و فراز و نشيب تمدن درخشان اسلامي گسست ها و گسل

هاي متعددي پيدا شده كه توانسته براي مدت زماني محدودي مانع گردش اين تمدن گردد اما اين جريان قدرتمند و فرهنگي با استفاده از انرژي معنوي و الهي خود اين موانع را از راه برداشته و به راه خود كه همان راه خدا و پيامبر او(ص) و ائمه اطهار عليهم السلام بوده ادامه داده و اينک جهان بار ديگر در پي كشف شناسايي و پذيرش ارزش هاي مادي و معنوي اين تمدن بزرگ و الهي است.

آلدوميه لي در اين باره مي گويد:

پيامبر اسلام(ص) بهره مند از آن نيرويي والايي بود كه دارنده خود را بر توده ها مسلط مي سازد. نيرويي كه خاص افرادي است كه دست تقدير آنان را براي اعمال تاثيرگذاري قاطع بر انسان ها برگزيده است بدين گونه بود كه از نخستين وحي الهي مبني بر فرمان به اعتقاد به ا يعني خداوند يكتا، آفريننده و مالک يگانه جهان، حادثه اي كه زمان آن را مي توان سال و هم پيش از هجرت دانست. پيامبر (ص) نه تنها به دعوت مردمان جامعه كوچک مكه بلكه مردمان شهر پيامبر يعني مدينه النبي(يثرب قديم) و همچنين برخي از مردمان شهرهاي پراكنده عربي چه مسيحي و چه يهودي پرداخت پيامبر(ص) به زودي موفق شد كه در بين آنها وحدتي بي مانند پديد آورد وحدتي ناشي از شوق و شوري عجيب كه در نمازها و يا در ميدان هاي جنگ متجلي مي شد.

به دنبال پيامبر(ص) و جانشينان او يعني خلفا وزير فشار تمايلي شديد براي اشاعه ديني و به دست آوردن غنايم از كشورهاي ثروتمند كه خارج از مرزهاي صحاري آنها قرارداشت به نفع امت اسلامي، پا از شبه جزيره عربستان بيرون نهاند و اسلام، يا سيطره اسلامي را بر بخش عظيمي از جهان متمدن عهد باستان مسلط ساختند([14])..(

در دوره زماني و برهه خاصي كه اكنون ما مسلمانان در آن قرار گرفته ايم مسلمين پس از پشت گذاشتن دوران استعمارگري قديم و تجربه استعمار جديد با استفاده از آموزه ها و هدايت هاي ديني و معنوي و استفاده از رهنمودهاي عالمان و روشنفكران ديني

والهام گرفتن از انقلاب شكوهمند اسلام در ايران و نهضتهاي مختلفي كه در گوشه و كنار جهان و اسلام يا نام بيداري اسلامي و يا بهار عربي به راه و روحيههاي عالي و قدرتمند وضعيت مناسب جديده را براي شكوفايي تمدن بي نظير اسلامي را به وجود آوردهاند.

وميتوان ادعا كرد كه جهان به زودي زاينده و توليد كننده حركت و معنويتي خواهد بود كه انرژي خود را از قدرت لايزال الهي و آموزههاي فرهنگي اخلاقي و اجتماعي دين مبين اسلام گرفته است.

آنچه امروز تا حدي توانسته مانع رشد و پيشرفت سريع اين حركت و جنبشي معنوي و تمدني گردد. وجود گروههاي تندرو ، افراطي متعصب، وتمدن گريز و علم گريز و ضد ديني است كه خودرا در پوشش اسلام خواهي سلفيگري و مبارزه طلبي پنهان ساختهاند وبا اعمال جنايت كارانه و حشيگري، قتل و آدم كشي، تخريب اماكن فرهنگي و تاريخي مربوط به مسلمانان و ديگر جوامع پيش گرفتهاند كه چهره تمدن اسلامي و مسلمان دو را در نزد ملت تند و خشن بعضي از گروهها در كشورها غير اسلامي نسبت مسلمانان ساكن آن كشورها گرديده است.

اينك به مسائل و عوامل كند شدن، بازدارندگي و گسترش تمدن اسلامي به ملت رفتارها و بدبيني غير مسلمانان به دين و تمدن اسلامي ميپردازيم: يكي از بزرگترين اين عوامل انديشه و افكاري است كه به نام سلفيه خودرا عرضه كرد.

سلفيه در تاريخ فرهنگ اسلامي لقبي معروف براي كساني است كه عقايدشان را به احمد ابن حنبل (241هـ) منسوب ميگردهاند (بليغت ابو زهره 311) روزگار احمد بن جحنبل مصادف بود با شكل گيري عصر اول عباسيان (132 - 1232هـ) پيدايش حركتهاي ديني وسياسي([15]).

بلندگي برخي از علوم اسلامي و نهفت ترجمه([16]).

انديشههاي سلفيه در قرن هفتم با طرح مسائل كلامي بيسابقه از سوي ابن تيميه (661 - 728هـ) و شاگردش ابن قيم جوزي (691 - 751هـ) و در قرن دوازدهم از سوي محمد ابن عبدالوهاب 1111 - 1306هـ) احيا گرديد، ([17]) ،([18]).

مهمترين آراء و عقايد سلفيه عبارت است از:

1 - تبعيت و پيروي از سلف صالح: سلف صالح از نظر ايشان محدود به صحابه و تابعين با پيروان ايشان ميشد.

اين در حالي است كه سلفيان جديد، مرز زماني و عقيدتي صحابه و تابعين را شكسته و افكار خود را بيشتر به افكار و آراي ابن حنبل و ابن تيميه مستند ساختهاند، اعاده خلافت اسلامي از پيامدهاي اعتقاد به انديشه پيروي از سلف است ([19]).

2- تاكيد بر نقل و مخالفت با علم و دانش جديد.

آنان منقولات ديني و احكام شرعي را برادادههاي علمي و عقلي مقدم ميدارند. علم و عقل هنگامي مفيد است كه در جهت شرع باشند. علوم مختلف بايد انسان را براي آخرت و انجام امور معنوي آماده كند از اين جهت عقل بشري فتنهاند زيرا انسان را از خدايي نياز ميكنند([20]).

3- تمسك به ظواهر نصوص قرآن و سنت:

سلفيان جديد با تكيه بر معاني ظاهري متون ديني وفارغ از هرگونه تفسير و تأويلي به توجيه فعاليتها، احكام شرعي و تكاليف خود ميپردازند صالح ثريه ميگويد:

ميتوان به اسلام حقيقي بازگشت مگر با رجوع به قرآ، وحديث نبوي كتاب و سنت به شعاري بي معنا تبديل شده است. زيرا افرادي كه اين شعار را ميشناسند كاملاً از سنت غفلت كردهاند. ما ناچاريم كتاب و سنت را در كنار هم مطالعه كنيم و سيره را به عنوان الگو آموزش دهيم([21]).

4- توسعه معناي و مصداقي شرك وكفر:

شرك و كفر نزد سلفيان قديم: بشتر گونهاي از عبادات و عقايد فردي بود مثل توسل به اولياء، نذر، شفاعت، زيارت قبولي، ولي شريك و كفري كه سلفيان جديد به آن معتقدند و از آن به كفر جديد» تعبير ميكنند همه شؤون زندگي اجتماعي و مدني شخصي را در برميگيرد.

آنان آراء فلسفي، عضويت در احزاب سياسي، اشتغال در ادارت و سازمانهاي دولتي مراسم وآيينهاي مذهبي و ديپلماتيك را از مصاديق شرك ميدانند([22]).

5- تأكيد بر اصل جهاد

رساله الفريضه الغائبه پرشورترين آراي جهادي ابن تيميه وعبدالسلام فرج را در خود دارد. اين رساله كه با تأكيد بر اهميت جهاد و نقل احاديثي با مضمون فتح و پيروزي اسلام آغاز ميشود. سعي دارد مؤمنان را به بازگشت اسلام در عصر كنوني بشارت دهد. عبدالسلام فرج ميگويد با وجود تأكيدات فراوان قرآن بر «اقامه دولت اسلامي» اجراي اين تكاليف الهي به فراموشي سپرده شده است و از آنجا كه اجراي احكام الهي بر مسلمانان واجب است اقامه دولت اسلامي نيز واجب خواهد بود پس اگر اقامه دولت اسلامي راهي جز جهاد و قتالي نداشته باشد جهاد بر مسلمين واجب ميشود([23]).

القاعده: از 11 سپتامبر 2001 مبارزه القاعده شروع و در سال 2003 با ظهور زرقاوي در جنگ عراق

شدت گرفت در سالهاي 2006 و 2007 در عراق درگيريهاي مذهبي به وجود آمد و در سال 2009 نيز با ورود شبكههاي ماهوارهاي درگيرهاي مذهبي به وجود آمد و در سال 2009 نيز با دور شبكههاي ماهوارهاي تفكيري نمان تكفيريهاي عرب زبان به صحنه دوره جديدي در جريانات تكفيري به وجود آمده پس از آن تقريبا دوره سكوت نسبي را شاهد بوديم تا در سال 2013 به ويژه با آغاز درگيريهايي كه ميان امت اسلامي و داعش به وجود آمد وارد مرحله جديدي از فعاليتهاي القاعده و انشعابات آن ميشويم.([24]).

زرقاوي در اواخر سال 2005 و اوايل سال 2006 «مجلس شوراي مجاهدين» در عراق را تشكيل داد اين مجلس به رهبري شهروندي عراقي به نام «عبدا رشيد البغدادي» كه از اسم و شخصيت آن پيداست كه مستعار است اداره ميشد.

در سال 2006 سه اتفاق مهم در حوزه گروههاي افراطگرا رخ داده حادثه نخست كشته شدن ابو مصعب الزرقاوي نايب رئيس مجلس شوراي مجاهدين عراق بود.

حادثه دوم تشكيل «حلف المطيبين» در سپتامبر 2006 بود.

حادثه سوم در ماه بعد رخ داد و آن تأسيس دولت اسلامي عراق به رهبري «ابو عمر البغدادي» با نام واقعي «حامد الراوي» بود.

اين گروه نيز ادامه دهنده روشهاي زرقاوي بود. ضد دولت عراق و نيروهاي آمريكايي.

و در راستاي جنگ مذهبي و طايفهاي حركت ميكرد علاوه بر شيعيان اهل سنت مخالف را نيز هدف قرار ميداد. تا اينكه شوراهاي بيداري عليه اين گروه تشكيل شد و به قدري تضعيف شد كه به دنبال ايجاد محيطهاي مخالف با آن انديشه تند رو تا مرز فروپاشي پيش رفت در سال 2008 فعاليت آن رويه پايان بود تا اينكه در سال 2010 ابو عمر البغدادي رهبر گروه و معاونش «ابو حمزه المهاجر» رهبر القاعده عراق كشته شدند.([25]).

پس از آن رهبري سازمان دولت اسلامي به دست «ابراهيم عواد علي ابراهيم البدري الحسني» يا همان ابو بكر بغدادي افتاد.

آنان اقدام به ترويج منازعه ، مبتني بر مذهب و قوميت كردند و پس از در اختيار گرفتن سلاح و مهمات در سوريه بخشي از آنها را به عراق منتقل كردند و توانشان دهها برابر افزايش يافت اين يك جهش بزرگ منحصر به فرد در گروه بود گروه در سطح مالي و نظامي به امكانات زيادي دست يافته بود به

ويژه اينكه تعدادي از چاههاي نفتي عراق و سوريه را در اختيار گرفته بود پيش بيني ميشود نفوذ اين گروه در كشورهاي ديگر وصف بندي و يارگيري مذهبي فتنههاي جديد را براي منطقه و جهان به دنبال داشته باشد.

از سوي ديگر به دليل وضعيتي كه اكنون بعض از كشورهاي اسلامي يا عربي با افزايش فشارهاي اقتصادي، سركوب، فساد، فقدان آزادي، احترام نگذاشتن به نظر صاحب نظران، به حاشيه رانده شدن در تقسيم مناصب دولتي جوانان اين كشورها بدون داشتن دانش شرعي و دين علاقهمند به اجرايي شدن احكام ديني هستند. و اين مسئله باعث گرايش بعضي از جوانان مسلمان به عضويت در گروه دولت اسلامي شده است.

بايد اذعان داشت كه: آينده منوط به حوادث و متغيرها است. ([26]).

گرچه گروهي القاعده را يك ارتش اعتقادي دانسته و در عقايد خود بسيار پايبند ميدانند اما تندروي، غلو، تكفير، ترور، هدف قراردادن مخالفان، برداشت يك جانبه از اسلام باعث تضعيف آنان او خواهد شد.

هسته مركزي و شاخههاي القاعده.

هسته مركزي : اعضاي جهاد جهاني كه در سال 2001 حملات 11 سپتامبر را در نيويورك و واشنگتن ترتيب داده بود. و توانستند جان سالم به در ببرند اسامه بن لادن در اواخر 1980 اين گروه را تأسيس كرد. رهبران گروه پس از عملياتهاي افغانستان در سال 2001 متفرق شدند و در پاكستان و افغانستان پناه گرفتند.([27]).

القاعده در مغرب اسلامي: گروهي مسلح كه در كشور مالي در شمال آفريقا تشكيل شده است و به طور عمده جنگ جوياني از الجزاير و مالي دارد در اصل به عنوان GSPC تاسيس شده است رهبر آن «حسن خطاب» از الجزاير است رهبر محلي ابو مصعب عبد الداود است. (جدال در توحش - حسين ميرنظوي)

كه يك جنگ جوي كهنه كار عرب افغان به نام مختار بلمختار وابسته به Aqim را در جنوب به راه انداخت عمليات اين گروه عليه نيروهاي مالي والجزاير ، سيلي از اعضاي جديد خارجي مثل برخي افراد مشهور بين المللي را براي گروه به ارمغان آورد.

القاعده در عراق: يك گروه تندرو تكفيري كه پس از حمله آمريكا به عراق در سال 2003 در نتيجه شورش ضد آمريكايي به وجود آمد AQI بر دنبال اين بود كه نيروهاي آمريكايي را از عراق بيرون راند و

به گفتنه خود دولت اسلامي را تأسيس كند.([28]).

اما شهرت اين گروه به دليل خون ريز بودن آنهاست مثل كشتن بي رويه شهروندان عراقي كه باعث شده حاميانی در ميان مسلمانان معمولي در جهان پيدا كند رهبر آن به نام ابو مصعب الزرقاوي تا پيش از مرگش در آمريكا در سال 2006 در يك حمله موشكي اين گروه را رهبري ميكرد و در به راهاندازي جبهه النصره همكاري زيادي را داشت.

القاعده در شبه جزيره عربستان: يك گروه افراطي است كه در يمن پايه ريزي شد اين گروه از ادغام القاعده در عربستان و يمن تشكيل ميشود. ([29]).

در پي به دست آوردن جايگاهي در يمن است از جمله حركات آن عمليات عليه آمريكا در 25 دسامبر 2009 بود كه تلاش كردند بمبي را در هواپيماي مسافربري ديترويت منفجر كنند «انور عولقي» رهبر اين گروه بود كه يك شهروند آمريكايي بود .

الشباب: اين گروه در سومالي مركزي و جنوب پايه ريزي شد اين گروه يك گروه سازمان يافته آزاد است كه اعضاي آن از ناهمگوني قبايل شرق آفريقا مثل جوامع مهاجر سومالي در آمريكا و اروپا استقبال ميكند رهبر آن «شيخ مختار علي زين» و«احمد عبدي محمد» ادعا دارند كه با القاعده در ارتباط هستند اين گروه از سال 2011 پس از بيرون رانده شدن ازمگاد يشو و چندد ژايالتي بسياري از پايگاههاي جغرافيايي خود را از دست داده است([30]).

4- جامعه الاسلامية: اين گروه يك گروه تروريستي باشالوده اندونزيايي است كه نام آن به معني انجمن اسلامي است و در جنوب شرق آسيا به بسياري از حملات خبر ساز عليه اهداف غربي مرتبط بوده كه مهمترين آن بمبگذاري سال 2003 در يك كلوپ شبانه در جزيره بالي اندونزي است كه بيش از 200 كشته بر جاي گذاشت رهبر آن را «اريس سومار سونو» يك فرمانده عملياتي كه با نام جنگي ذو القرنين شناخته ميشود.

از عقايد سخيف و غير انساني گروههاي تكفيري اين است كه ميگويند «هر كس كافر را تكفير ننمايد خود او هم كافر است» آنان به مردم بيگناه حمله ميكنند و آن دو را قتل عام مينمايند و استدلال ميكنند كه آنان شهروندان جامعهاي كافر هستند كه حدود خداوند را رعايت نميكنند مهمترين گروههاي تروريستي كه مقر آنها در سينا است عبارتند از: ([31]).

گروه تكفير و هجرت ، سازمان پرچمهاي سياه ، سازمان سلفيت جهادي سازمان انصار الجهاد، سازمان

مجلس شوراي مجاهدين، گروه توحيد و جهاد) پديده تكفير پديده اين است كه در صورت اطلاقش برهرامري، هر اقدامي را در باره آن مباح و جايز ميسازد مانند قتل شكنجه، تجاوز.

تكفير يكي از شومترين پديدههاي است كه جهان اسلام با آن مواجه است. زيرا فرد تكفيري فردي: سطحي نگر است و هر اختلاف نظر بين خود و ديگران را كفر قلمداد ميكند و تفكري است تجزيه گرا كه عامل تفرقه است نه اتحاد، تكه تكه ميكند نه تركيب.([32]).

و در عين حال اعمال جنايت كارانه خود را مشروع دانسته و خودرا رحمتي از سوي خدا ميداند. گروههاي تكفيري تهديد كننده و تخريب كننده و جه دين آسماني اسلام ميباشند و تهديدي خطرناك براي خاور ميانه ميباشند.

همچنين اين گروههاي تكفيري استقلال دولتها و ملتهاي منطقه را هدف قرارداده و با به خطر انداختهاند و به تهديدي براي همگان تبديل شدهاند.([33]).

تكفير و تروريسم به دليل داشتن خشونت و ويرانگري در بطن خود شتاب حركت و در آمدهاي اقتصادي را تهديد ميكنند. علاوه بر اين به خطري براي ارزشهاي داخلي، رفاه اقتصادي و توسعه به عنوان جوهره امنيت تبديل شدهاند. زيرا تهديد كننده ثباتي به عنوان عامل اصلي جريان توسعه است. وبا به چالش كشاندن ابهت و احترام و جايگاه حاكميت وفروپاشي نظم اجتماعي و صلح و همزيستي داخلي محدوديتي براي توانايي دولت در عرصه بين المللي است و بر همه عناصر قدرت ساز دولت تأثير بسيازي ميگذارد.

تروريسم ابزاري بود كه اسرائيل را شكل داد. و تبديل به ابزار قدرتهاي سلطه جو ضد مسلمانان گرديد.

تروريسم: در تلاش است تا به تحريك فرقهگرايي و ايجاد تنش ميان كشورها و تقسيم بندي مذهبي آنها در چارچوب سني و شيعه و ديگر مذاهب اسلامي بپردازد.

تروريسم: دين را به عنوان نقاب و پوششي براي سياست قرارداده است و در وراء آن مجري سياستها و برنامههاي استعماري دول سلطه جو براي تضعيف اسلام و مسلمانان ميباشد.

انديشه تكفير: فكري عقب مانده و سلفي و عقبگردي تاريخي است كه با اهداف مشكوك به دنبال بازگرداندن عقربههاي زمان به سمت گذشته است تا امنيت و ثبات منطقه و رشد و شكوفايي تمدن اسلامي و عزت و اقتدار مسلمانان را تهديد نمايد.([34]).

تكفير: جرياني است در مقابل جبهه مقاومت كه فرايندي است براي مقابله با نظام سلطه، از آن جايي كه ايران به عنوان محور اصلي جبهه مقاومت در خاورميانه عربي آسياي جنوب غربي، و شمال آفريقا تلقي ميشود. گروههاي تكفيري نقش مقابله گرا با انديشههاي سياسي و الگوهاي راهبردي ايران اسلامي را در دستور كار قرار دادهاند.

جريان تكفير: يا از ميان بردن آثار وابنيه تاريخي و فرهنگي مسلمانان و عرب و ديگر ملتها تلاش ميكند جامعهاي بدون پيشينه فرهنگي و براساس آموزهها و برداشتهاي خود از ايدئولوژي تكفيري بنا نمايد.

آنها دو براساس آموزههاي و هابي و تكفيري خود از ابن تيميه و بو مصعب زرقاوي هرگونه بقاع متبركه را بدعت در دين ميدانند و اقدام به تخريب آن ميكنند. ([35]).

آنان در حالي كه نعلين چرمي و كهه عبدالعزيز، مؤسس حكومت آل سعود را در محفظهاي تزئين شده نگه داري ميكنند. و متبرك ميدانند، به تخريب قبور ائمه عليه السلام بقيع و آثار تاريخي با ميان در افغانستان تخريب قبور صالحين، أصحاب و علماي مورد احترام اهل سنت مينمايند.

آنان پس از تصرف شهر موصل كه يكي از شهرهاي تاريخي جهان با آثار گسترده و متنوع فرهنگي و باستاني ميباشد. مرقد حضرت شيث (ع) جرجيس نبي(ع) و بارگاه مقدس حضرت يونس نبي را به وسيله بمب تخريب كردند.

ونماد. نهصد ساله شهر موصول در عراق را تخريب كردند كه به دليل داشتن انحنا به «مناره الحدباء» معروف بود.

تنها در يك اقدام پنجاه قبر در گورستان السعديه در شمال شرق بعقوبه را با استفاده از بلدوزر تخريب كردند مقبره «سلطان عبدا ابن عاصم ابن عمر بن خطاب» كه زيارتگاه اهل سنت بود را تخريب نمودند. و مزار احمد الرفاعي يكي از مشايخ صوفيه را تخريب نمودند.([36]).

علل تشكيل و گسترش نيروهاي تروريستي در چند بند كلام كرد كه عبارتند از:

1 - مقابله با راهبرد تمدن سازي اسلامي.

2- اداره گروههاي تكفيري توسط قدرتهاي بزرگ.

3- مقابله با رشد گرايش به اسلام .

4- اسلام هراسي

5- مبارزه با جمهوري اسلامي.

6- شيوه راهبردي كه غربيها از آن براي فروپاشي امپراطوري عثماني استفاده كردند و اكنون دو باره آن را تجربه ميكنند.

7- فتنهگري در منطقه.

8- ايجاد تفرقه و نزاع و كشمكشهاي فرقهاي ميان مسلمانان.

در پايان متذكر ميگردد غرب به ويژه امريكا و اسرائيل تلاش ميكنند تروريسم و مقاومت مشروع را يكي دانسته و مقاومت جانانه مردم فلسطين ، حماس و مقاومت لبنان و حزب ا را به عنوان حركت و جرياني ترويستي به جهانيان معرفي نمايند نصر حامد ابو زيد در اين باره ميگويد:

كنار هم نهادن مقاومت فلسطين، حماس، و مقاومت لبنان حزب ا و حكومتهاي ايران و سوريه در يك سبد كه تروريسم نام دارد و كنار همه قراردادن همهاي اينها كنار «القاعده» نشان از طرحي هراس آور دارد كه بايد از آن حذر كرد([37]).

لذا شركت كنندگان فرهيخته وانديشمندان ارجمند را به اين مسئله مهم و اساسي متوجه ميسازم كه زيركي و هوشياري يكي از خصوصيات و ويژگيهاي مؤمنين ومتقين بوده و بايد با درك درست و تفكيك مسائل مختلفي كه در جهان اسلام در حال انجام است، واقعيتها را به گونهاي براي جوامع اسلامي بيان نمود كه دشمنان نتوانند كياست و سياست و شعور و عقلانيت ما را به مسخره بگيرند. همچنين لازم ميبينيم پيشنهاداتي را مطرح نمايم كه اميدو است بتواند ما را درگرفتن تصميم درست و عملكرد مناسب در وضعيت كنوني ياري نمايد.

1 - مطالعه هرچه بيشتر موقعيت سياسي، اجتماعي، فرهنگي و امنيتي جهان اسلام.

2- آشنايي با نقشهها و برنامههاي استعماري دشمنان اسلام جهت سيطره بر منابع مادي و معنوي مسلمانان .

3- مبارزه علمي، فكري، فرهنگي و در صورت نياز نظامي با جريانهاي تروريستي و تكفيري كه سعي در برنامه كردن چهره رحماني اسلام را داشته و عامل براي نقشههاي استعمارگران گرديدهاند.

4- توجه دادن، روشنفكران ، دانشجويان ، جوانان جوياي حقيقت به موقعيت تاريخي و تمدنيشان و تشويق آنان به علم آموزي و پيدا كردن جايگاهشان در دنياي جديد.

5- مدارا، عدم تعرضي، عدم توهين، واحترام و تكريم پيروان اديان و مذاهب نسبت به همديگر و همچنين در خلقت نسبت به همه انسانها كه بنابه تغيير امير المؤمنين يا برادران ديني آنان و يا در خلقت انسانهاي همانند آنان ما باشند.

6- متذكر شدن آيات و احاديثي كه مبناي فضيلات و امتياز انسانها را تقواي الهي و خدمت به بشريت قراردادهاند. همچون آيه 13 - - سوره مباركه حجرات و نامه معروف حضرت علي(ع) خطاب به مالك اشتر (نامه 53) نهج البلاغه .

7- تبيين و تشريح مفهوم امت اسلامي و اخوت اسلامي و تلاش جهت كاربردي كردن اين مفهوم ارزشمند متعالي.

8- ياري رساندن به مسلمانان محرومين و گرفتاران در دست ظالمان و غاصباني همچون اسرائيل و گروههاي ترويستي و تكفيري.

9- تعاون و همكاري مثبت ميان دولتها و ملتهاي اسلامي.

10- استفاده از منابع مادي، اقتصادي، فرهنگي، تاريخي و علمي جهان اسلام براي استقرار و گسترش تمدن اسلامي.

11- پرهيز از منازعات، كشمكشها و جنگهاي كه مسلمانان و نيروهاي آنان را تضعيف كرده و در نهايت به تقويت جبهه كفر و استكبار ميانجامد.

12- برگزاري مستمر جلسات، كنفرانسها و نشستهاي علمي و پژوهشي در سطوح مختلف و در ميان اقشار مختلف تحصيل كرده، روشنفكر و عالمان جهان اسلام.

13- همزيستي مسالميت آميز ميان مسلمانان ديگر پيروان اديان و انديشههاي ديگر با در نظر گرفتن:

كرامت ذاتياشان، اعتقاديه يكي بودن منشأ انسان و انسانيت . آزادي عقيده و آزادي بيان.

14- تكيه بر اشتراكات زباني، فرهنگي، مذهبي، ديني، انساني و اخلاقي و احتراز از عوامل تنش زا و تعصب آميز و افراطي .

15- تقويت ، گسترش تخصصي نمودن و تداوم بخشيدن به برنامههاي مجمع تقريب بين المذاهب اسلامي و شناساندن انديشههاي متعالي، وحدت بخش، عالمانه و رهائي بخش مقام معظم رهبري به مسلمانان ، جوانان و انديشه ورزان جهان اسلام از طريق برنامهها و عملكردهاي مدبرانهاي كه اين كنفرانس در دستور كار خود به عهده دارد.

([1]) الحضارة 1977 د. حسين مؤنس سلسلة عالم المعرفة. المجلس الوطني للثقافة والفنون والأدب. الكويت.

([2])تاريخ ويل دورانت جلد چهارم.

([3])ولايتي _ پوياي فرهنگ و تمدن اسلامي _ 1 ص 25_ 27.

([4])خدمات متقابل اسلام و ايران، ذبيح اله صفا 1371 .

([5]) فصلنامه تاريخ اسلام ش 2 ، گوستاوليون تمدن اسلام و عرب.

([6])مقام معظم رهبري(مدظله العالي) ديدار با اقشار مختلف مردم 11/5/95.

([7])مقام معظم رهبري (مدظله العالي) در ديدار مسولان نظام و ميهمانان كنفرانس اسلامي 8/10/94.

([8])بيانات در ديدار ائمه جماعات مساجد استان تهران فيش هاي تمدن سازي نوين اسلامي.

([9])Ahmad.IAIUUNE3,2002/the RiseundFallofislamic.

([10]) Abbdvllahi. Embi. M.r.B (2015) od Islamick

Evoluton of abstract veyetal ornaments.

([11])برخورد تمدن ها و بازسازي نظم نوين جهاني .

([12])گوستاولويون تاريخ تمدن اسلام و عرب ترجمه فخر ..... ص 702 .

([13])تاريخ تمدن اسلام و عرب ترجمه فخر گيلاني 704.

([14])آلدوميه لي علوم اسلامي و نقش آن درتحول علمي جهان ـ ص 106.

([15]) طقوش - 15 - 157 .

([16]) طقوش 157 - 57 .

([17]) محمد ابن ابراهيم شيباني اوراق مجموعه من حياه الشيخ الاسلام ابن تيميه كويت.

([18]) ابن تيم جوزيه: عصره ومنهجه وآراوه في الفقه والعقائد والتصوف قاهره - 1387ق 1967.

([19]) النبي المسلح- الثائرون 317..

([20]) النبي المسلح1: الرافضون 38 .

([21]) النبي المسلح1 - الرافضون .

([22]) النبي المسلح 1؟ الرافضون 135 .

([23]) الحقيقة الغائبة الاعداد يوسف عبدمكي قاهره .

([24]) العبري 2005، مارس 27.

([25]) يازده سپتامبر آغاز عصري نو در سياست هاي - ترجمه حسين مرتضوي.

([26]) گزارش گروه مطالعات عراق دسامبر 2006.

([27]) فدوي عبدالقيوم 1381 - اسامه بن لادن و ما جراها.

([28])گزارش گروه مطالعات عراق دسامبر 2006 .

([29]) گزارش بيگل هملتون دسامبر 2006 .

([30])الحركات الاسلاميه في الوطن العربي اشراف عبدالغني بيروت.

([31]) مروان شحاده - تحولات الخطاب السلفي.

([32]) معجم مقاييس اللغه ، ج 5 - و191 مفردات و 433 - 434 .

([33]) ابكار الافكار ، ج 5، ص 26 .

([34])(آشوري: داريوش دانشنامه سياسي.

([35]) عبدالباري عطوان، 2012 القاعده تنظيم سري، بيروت .

([36]) تخريب زيارتگاه اسلامي در كشورهاي عربي، احمد نامه ، قم دار الاعلام 1393 .

([37]) نصر حامد ابو زيد - چنين گفت ابن عربي ص 15 ، در ترجمه احسان موسوي خلخالي .